

هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و ...
سرمدبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۲۸/۹۱۴۵ رده بندی کنکره: ب ۵۶/۱۱۰

محاربه از دیدگاه فقه و حقوق جزا

علی اصغر زاهره

چکیده

جرم محاربه، یعنی، یک یا چند نفر، اقدام به کشیدن اسلحه، به قصد ارباب و ترساندن یا به قصد گرفتن جان، مال، یا ناموس مردم کنند و در این بین، با عمل خود، موجب ناامنی محیط شوند که به شخصی که به ترتیب ذکر شده، دست به سلاح برده و موجب ناامنی محیط گردیده، محارب می گویند. حکم مجازات جرم محاربه، یکی از موارد اعدام، نفی بلد، قطع دست راست و پای چپ و یا صلب بوده و اختیار انتخاب یکی از این ۴ مورد، به عنوان مجازات، با قاضی پرونده است. هدف اصلی این پژوهش بررسی محاربه از دیدگاه فقه و حقوق جزا می باشد. روش تحقیق به صورت تحلیلی و اسنادی می باشد. ابزار تحقیق یادداشت برداری و فیش برداری از متون مختلف کتابخانه ای اعم از کتب، مقالات نمایه شده در نشریات و بانک های اینترنتی می باشد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که محاربه جرم بزرگی بوده و مجازات سنگینی دارد، شرایط برای اثبات این جرم نیز ساده نیست. بنابراین برای تحقق جرم محاربه، وجود شرایط زیر ضروری است: انجام فعل مادی، قصد خاص و عدم جهات تخفیف. همچنین نتایج تحقیق نشان داد شخص محارب، به خاطر ایجاد رعب و وحشت بین مردم و فساد در زمین کشته می شود، نه به عنوان قصاص؛ لذا اولیای دم کسانی که فرزندان و یا نزدیکان شان مورد جنایت محاربین واقع شده اند، نمی توانند محارب را عفو کنند و با عفو خود، مانع از اجرای حکم شوند.

واژگان کلیدی: محاربه، فقه، جزا، حقوق، قصاص، عفو، حکم.



مقدمه

امنیت عمومی، اولین و مهمترین خواسته مردم در هر کشوری است و مقامات کشور، موظف به تامین این خواسته و برقراری نظم و امنیت در جامعه هستند و با وضع و قوانین و مقررات در این زمینه، سعی در فراهم کردن هر چه بهتر امنیت در جامعه دارند. در قانون کشور ما، برخی از جرائم، به عنوان جرایم علیه امنیت کشور، شناسایی شده‌اند که محاربه، یکی از آن‌ها می‌باشد و با دست به سلاح بردن، تحت شرایطی خاص، محقق می‌شود و مجازاتی بسیار سنگین، برای مرتکب آن، در پی خواهد داشت. محاربه، جرم بزرگی در حقوق کیفری ایران و اسلام است. این جرم از نظر ماهیت، نوعی جرم علیه امنیت و آسایش عمومی است. محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. جرم محاربه یکی از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور است که در قانون مجازات اسلامی ماده ۲۸۰ تعریف شده است. بر اساس این تعریف، محارب به کسی گفته می‌شود که با هدف تغییر نظام جمهوری اسلامی یا قطع بخشی از کشور یا زیر ساخت‌های حیاتی آن، با سلاح یا بدون آن به مبارزه با نظام یا نمایندگان آن بپردازد. محاربه از واژه حرب گرفته شده که متضاد کلمه سلم به معنای صلح است. جرم محاربه یکی از جرایم علیه امنیت ملی است که برای پی بردن به ماهیت آن، باید به قانون مجازات اسلامی مراجعه کرد. اما ابتدا باید بدانید که محاربه یک جرم حدی است. به این معنا که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است. در مراجعه به ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی محاربه چنین تعریف شده است: «محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود. پس جرم محاربه عبارت است از این که یک یا چند نفر با کشیدن سلاح، به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها موجب ناامنی شوند بدون این که قصد و انگیزه شخصی داشته باشند. ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی، جرم محاربه را تعریف کرد. بر این اساس محارب کسی است که مرتکب جرم محاربه شود. به عبارت دیگر کسی که به قصد جان، مال و ناموس دیگران و ایجاد ارباب اقدام به کشیدن سلاح کند و موجب ناامنی شود، محارب است. همچنین بر اساس ماده ۲۸۱





۵. برای تحقق محاربه، سوءنیت خاص لازم است. یعنی قصد تعرض به جان، مال یا ناموس مردم برای تحقق این جرم ضرورت دارد. البته این قصد غیرمستقیم هم باشد کافی است. یعنی همین که فرد می‌داند با کشیدن سلاح موجب ارعاب و سلب امنیت خواهد شد، کافی است.

۶. تفاوتی نمی‌کند که مرتکب مرد باشد یا زن، در شهر باشد یا خارج از شهر، روز باشد یا شب.

۷. جرم محاربه جرمی مقید به نتیجه است. یعنی علاوه بر قصد فرد برای ایجاد ارعاب، حتما باید موجب ارعاب و سلب امنیت شود. بنابراین اگر عمل فرد به دلایلی موجب ایجاد ناامنی نشود، مانند این که فردی ضعیف‌الجثه چاقو بکشد، دیگر مصداق محاربه نخواهد بود.

۸. کشیدن سلاح لزوماً به معنای استفاده از سلاح نیست. پس اگر فرد صرفاً سلاحش را نشان دهد، حتی اگر به کسی حمله نکرده و یا با آن شلیک نکند، در صورتی که موجب سلب امنیت شود، محارب خواهد بود.^۱

بخش دوم: مجازات محارب

اصلی‌ترین مجازات محارب در قانون مجازات اسلامی، اعدام است. این مجازات در قانون اسلام نیز مقرر شده است. در آیه ۳۳ سوره مائده آمده است: **إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ**. کیفر کسانی که با خدا و پیامبرش می‌جنگند و در روی زمین به فساد می‌کوشند، این است که کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست و پایشان از خلاف قطع شود یا تبعید شوند. این برای آنها رسوایی در دنیاست و برای آنها در آخرت عذاب بزرگی است. مجازات محارب در قانون مجازات اسلامی به صورت تفکیک شده در دو حالت ذکر شده است:

- اگر محارب با سلاح به مبارزه با نظام پرداخته باشد، حکم قصاص خواهد بود.

^۱. محسنی، مرتضی ۱۳۹۵ حقوق جزای عمومی تهران، گنج دانش.



- بخش سوم: افساد فی الارض و تفاوت آن با محاربه**

افساد فی الارض یکی دیگر از جرم‌هایی است که در قوانین کیفری ایران زیاد شنیده می‌شود. فساد فی الارض نیز جرم بزرگی در حقوق کیفری ایران و اسلام است. این جرم از نظر ماهیت، نوعی جرم علیه امنیت و آسایش عمومی محسوب می‌شود. افساد فی الارض عبارت است از هرگونه اقدامی که موجب اخلال شدید در نظم عمومی، انتظامات کشور، امنیت ملی یا آسایش عمومی شود. تفاوت اصلی محاربه و افساد فی الارض در این است که در محاربه، فعل مادی باید کشیدن سلاح باشد، در حالی که در افساد



فی‌الارض، فعل مادی می‌تواند هر نوع اقدامی باشد که موجب اخلال شدید در نظم عمومی، انتظامات کشور، امنیت ملی یا آسایش عمومی شود. افساد فی‌الارض نیز یک جرم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور است که در قانون مجازات اسلامی ماده ۲۸۶ تعریف شده است. بر اساس این تعریف، فاسد فی‌الارض کسی است که با هر عمل گستاخان‌های به فساد در زمین بپردازد. یکی دیگر از تفاوت‌های افساد فی‌الارض و محاربه مربوط به مجازات‌های آن‌ها می‌شود. مجازات فاسد فی‌الارض در قانون مجازات اسلامی به صورت تفکیک شده در چهار حالت ذکر شده است:

- اگر فاسد فی‌الارض با سلاح به فساد در زمین پرداخته باشد، حکم قصاص و مصادره اموال خواهد بود.
- اگر فاسد فی‌الارض بدون سلاح به فساد در زمین پرداخته باشد، حکم حد و مصادره اموال خواهد بود.
- اگر فاسد فی‌الارض با توطئه و تشویق به فساد در زمین پرداخته باشد، حکم حبس و جلد خواهد بود.
- اگر فاسد فی‌الارض با ترویج و تبلیغ به فساد در زمین پرداخته باشد، حکم جلد و تبعید خواهد بود.

بنابراین عمده تفاوت بین محارب و فاسد فی‌الارض در هدف و عمل آن‌ها است. محارب هدف خاصی دارد و عمل مبارزهای انجام می‌دهد، اما فاسد فی‌الارض هدف خاصی ندارد و عمل گستاخان‌های انجام می‌دهد. مثلاً تخریب مساجد یا قتل عام مردم^۱.

^۱. حلی، حسن ابن یوسف ۱۴۱۳ قواعد الاحکام، قم، موسسه نشر اسلامی. ارشاد الاذهان قم، موسسه نشر اسلامی.



بخش چهارم: جرم کلاهبرداری و مجازات آن بند اول: سوء نیت عام و سوء نیت خاص در محاربه

یکی از نکات مهم در مورد جرم محاربه، سوء نیت است. در صورت فقدان سوء نیت، جرم محاربه محقق نمی‌شود. در جرم محاربه، دو نوع سوء نیت وجود دارد:

بند دوم: سوء نیت عام

سوء نیت عام در جرم محاربه، قصد انجام فعل مادی است. یعنی محارب باید قصد داشته باشد که سلاح بکشد. سوء نیت عام به هر نوع نیت برای انجام جرم گفته می‌شود که شامل دانستن و رضایت است.

بند سوم: سوء نیت خاص

سوء نیت خاص در جرم محاربه، قصد ایجاد رعب و وحشت در مردم است. یعنی محارب باید قصد داشته باشد که با کشیدن سلاح، موجب ناامنی در محیط گردد. سوء نیت خاص به نیت برای رسیدن به هدف خاص جرم گفته می‌شود که شامل قصد است^۱. برای تحقق جرم محاربه لازم است که سوء نیت خاص وجود داشته باشد. یعنی محارب باید قصد تغییر نظام یا قطع بخشی از کشور یا زیر ساخت‌های حیاتی آن را داشته باشد. اگر سوء نیت خاص نباشد، جرم محاربه تحقق نمی‌یابد و جرم دیگری مثل قتل یا تخریب در نظر گرفته می‌شود.

بخش پنجم: اعتراض به حکم محاربه

برای اعتراض به حکم محاربه، باید در مهلت مقرر قانونی، اعتراض خود را به دادگاه صادرکننده حکم ارائه دهید. مهلت اعتراض به حکم محاربه، ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ حکم است. اعتراض به حکم محاربه، می‌تواند به صورت شفاهی یا کتبی صورت گیرد. در صورتی که اعتراض به صورت کتبی باشد، باید در برگه اعتراض، مشخصات کامل خود، مشخصات حکم صادره، دلایل اعتراض و امضای خود را درج کنید.

^۱ حبیب زاده محمد جعفر ۱۳۹۹ محاربه در حقوق کیفری ایران، تهران، دفتر نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس



پس از ثبت اعتراض، دادگاه صادرکننده حکم، اعتراض شما را بررسی می‌کند و در صورتی که اعتراض شما را وارد بدانند، پرونده را برای رسیدگی به دیوان عالی کشور ارسال می‌کند. در دیوان عالی کشور، پرونده توسط یک یا چند قاضی شعبه دیوان عالی کشور بررسی می‌شود. در صورتی که دیوان عالی کشور اعتراض شما را وارد بدانند، حکم صادره را نقض می‌کند و پرونده را برای رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکننده حکم ارجاع می‌دهد. در صورتی که دیوان عالی کشور اعتراض شما را وارد نداند، حکم صادره قطعی می‌شود. اگر حکم محاربه علیه شما یا نزدیکان تان صادر شده است، بهتر است قبل از هر اقدامی، با یک وکیل متخصص در امور کیفری مشورت کنید. وکیل می‌تواند شما را در مراحل اعتراض به حکم محاربه راهنمایی و یاری کند.^۱

بخش ششم: بررسی سلاح در جرم محاربه

گفته شد عنصر اصلی جرم محاربه، کشیدن سلاح است. بنابراین طبیعی است که مهمترین سوال در این میان، مفهوم سلاح باشد. در مورد مفهوم سلاح اختلافات زیادی وجود دارد و برخی از قوانین نیز به ارائه تعریف و مصداق سلاح پرداخته‌اند. اما به نظر می‌رسد آنچه مهم است، برداشت عرف از سلاح است. عرف وقتی از سلاح سخن می‌گوید، هم سلاح سرد و هم سلاح گرم را در نظر دارد. بنابراین مواردی مانند تفنگ، هفت تیر، تپانچه، مسلسل، تانک و ... مصداق سلاح گرم و مواردی مانند چاقو، قمه، سرنیزه، نیزه، شمشیر و ... مصداق سلاح سرد خواهند بود. با این توصیف مواردی مانند چوب، چماق، عصا، بیل و ... سلاح محسوب نخواهند شد. البته در این مورد قاضی می‌تواند به قوانینی مانند ماده ۱۱ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز و همچنین بند ۳ ماده ۶۵۱ قانون تعزیرات استناد نماید.^۲

^۱. آقابابایی، حسین ۱۳۹۴ گفتمان فقهی و جرم انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت. فصلنامه فقه و حقوق سال، دوم تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۱-۴۲.

^۲. میرمحمدصادقی، حسین ۱۳۹۷ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی چاپ سی و ششم، تهران، میزان.



بخش هفتم: انواع مجازات محاربه

ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است:

الف- اعدام، ب- صلب، پ- قطع دست راست و پای چپ، ت- نفی بلد.

معنای اعدام مشخص است. در مورد قطع دست و پا، عدهای معتقدند این امر که برگرفته از آیات قرآن کریم است، در واقع مقابله به مثل توسط پیامبر ص با مشرکانی بوده که در مقابل محبت‌های پیامبر اسلام، ناسپاسی کرده و دست و پای چند چوپان مسلمان را قطع کردند. همچنین مفهوم صلب بدین معناست که سه روز بر روی دار بسته شود به طوری که نحوه بستن او موجب مرگش نشود. اگر پس از ۳ روز زنده ماند، فرد پایین آورده شده و کسی حق کشتن او را نخواهد داشت. معنای نفی بلد هم در واقع همان تبعید است. مدت نفی بلد در هر حال کمتر از یک سال نیست، اگرچه محارب بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتی که توبه نکند، همچنان در تبعید باقی می‌ماند. در نفی بلد، محارب باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت، مراوده و رفت و آمد نداشته باشد. اگرچه قانون‌گذار اختیار انتخاب مجازات را به قاضی واگذار کرده، اما امروزه عرف و رویه معمولاً اقدام به تبعید و یا اعدام محکوم می‌کند. همچنین قاضی در انتخاب هر کدام از این مجازات‌ها مخیر است و هیچ اولویتی بین آنها وجود ندارد. البته شایسته است که قاضی برای انتخاب نوع مجازات، نحوه ارتکاب و میزان اثرات جرم ارتکاب یافته را مورد توجه قرار دهد.^۱

بخش هشتم: راه‌های اثبات جرم محاربه

براساس مواد ۱۷۲ و ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی، کلیه جرایم از جمله محاربه با یک بار اقرار و یا شهادت دو مرد عادل ممکن است. البته برخی از جرایم تعداد شهود بیشتری لازم دارد که از بحث ما خارج است. بنابراین محاربه نیز با یک بار اقرار و یا شهادت دو مرد عادل اثبات خواهد شد. بر اساس ماده ۱۸۱ قانون مجازات اسلامی: عادل کسی است که در نظر قاضی یا شخصی که بر عدالت وی گواهی

^۱ طبرسی، فضل ابن حسن (۱۴۱۸) تفسیر جوامع الجامع، قم، موسسه نشر اسلامی.



می‌دهد، اهل معصیت نباشد. شهادت شخصی که اشتباه به فسق داشته باشد، مرتکب گناه کبیره شود یا بر گناه صغیره اصرار داشته باشد تا احراز تغییر در اعمال او و اطمینان از صلاحیت و عدالت وی، پذیرفته نمی‌شود.» البته شهادت دارای شرایط خاصی است که باید در جای خود مورد بحث قرار بگیرد. همچنین با استناد به ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی علم یقین‌آور قاضی نیز می‌تواند سبب اثبات حکم محاربه و اجرای مجازات محارب گردد^۱.

بخش نهم: دیدگاه‌های فقه‌ای امامیه درباره اشتراط رکن نهایی

بعضی از فقه‌های امامیه، صرف وجود قصد اخافه را برای تحقق محاربه کافی دانسته و تحقق نتیجه یا ارتکاب رفتاری غیر از تشهیر سلاح را لازم ندانسته‌اند. اما بعضی از فقه‌های معاصر اکتفا به قصد اخافه را نادرست دانسته‌اند. فاضل لنکرانی معتقد است اینکه صاحب جواهر محاربه را در صورت عدم تحقق خوف یا اخذ مال محقق میدانند درست نیست. زیرا اخافه‌ای که حتی به نحو موجه جزئیة موثر نباشد، یعنی موجب ترس بعضی افراد نشود، حرام نیست. حرمت اخافه به علت خوفی است که متعاقب آن ظاهر می‌شود. همچنین، به علت شک در صدق عنوان محاربه به علت بیفایده بودن سلاح کشیدن و عدم اخلال در امنیت نمی‌توان چنین موردی را محاربه دانست. بلکه به موجب قاعده درأ باید حکم به عدم محاربه داد^۲.

بخش دهم: اشتراط نتیجه مجرمانه

نتیجه مجرمانه در محاربه، وضعیتی غیر از رفتار مرتکب و معلول آن است. این نتیجه ممکن است ایجاد خوف و رعب، سلب امنیت و یا اخلال در آن باشد^۳.

^۱. مفید، محمد ابن محمد (۱۴۱۰) المقنعه چاپ دوم، قم، موسسه نشر اسلامی.

^۲. نویدنیا منیژه (۱۳۹۲) درآمدی بر امنیت اجتماعی فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره نوزدهم بهار ۱۳۹۲، ص ۷۷-۵۵.

^۳. فاضل لنکرانی محمد (۱۳۹۱) تفصیل الشریعه حدود قم مرکز فقه الاثمه الاطهار.



بند اول: ایجاد خوف

امام خمینی ره معتقد است کسی که با قصد اخافه مردم و اراده افساد فی الارض، سلاح بکشد، اما بعلت ضعیف بودنش هیچ کسی از او نترسد در محارب دانستن وی، اشکال بلکه منع وجود دارد. البته اگر به حدی ضعیف باشد که بعضی اوقات، بعضی اشخاص از او بترسند، ظاهر این است که تحت شمول محاربه قرار میگیرد. بنا براین، در اثر اخافه باید خوف حاصل شود و الا محاربه محقق نمی‌شود. البته اگر ترساندن به نحوی باشد که در بعضی اوقات و نسبت به بعضی اشخاص موجب خوف شود ظاهراً مشمول عنوان محاربه است. طبق دیدگاه فوق، ایجاد خوف عمومی لازم نیست. بلکه آنچه مهم است ایجاد خوف با قصد اخافه مردم و اراده افساد فی الارض است^۱.

علی الظاهر امام خمینی ره، قائل به تفکیک دو عنوان مجرمانه محاربه و افساد فی الارض نبوده، بلکه افساد را داخل در عنصر روانی محاربه میدانسته‌اند. ایشان تصریح می‌دارد: «محارب کسی است برای اخافه مردم و اراده افساد فی الارض، سلاح می‌کشد». به بیان دیگر قصد اخافه و نیز قصد افساد هر کدام جزئی از عنصر روانی جرم مذکوراند و به همین دلیل از «واو عطف» استفاده شده است؛ بنابراین کل دو جزء میبایست تحقق یابد تا کیفر مورد نظر نیز فعلیت پیدا کند. علاوه بر اخافه و قصد آن، باید اراده افساد فی الارض وجود داشته باشد و الا اگر به منظور عداوت یا دفع آزار کسی باشد و یا حتی به غرض نامشروعی باشد، ظاهر، عدم تحقق محاربه است. با توجه به آیه ۳۲ سوره مائده، مواردی که مستوجب مجازات قتل اند، اعم از قتل، هتک ناموس و جرایم حدی که در چهارمین تکرار، موجب مجازات قتل اند، از مصادیق افساداند. بدین ترتیب، اراده افساد فی الارض یعنی اراده ارتکاب یکی از جرایم مذکور علیه عموم مردم^۲.

^۱. موسوی اردبیلی عبد الکریم (۱۴۲۷) فقه الحدود و التعزیرات چاپ دوم، قم، دانشگاه مفید.

^۲. زراعت، عباس (۱۳۹۰) جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، جنگل.



بند دوم: اخلال در امنیت عمومی و ایجاد خوف

صاحب المیزان می‌گوید «تعبیر محاربه با پیامبر اسلام ص در آیه محاربه نشان می‌دهد که محاربه به معنای جنگیدن برای ابطال حکومت و ولایت پیامبر اسلام است که شامل جنگ‌های کفار با ایشان هم می‌شود. اما تعبیر «و یسعون فی الارض فسادا» باعث متعین شدن موضوع حکم می‌شود، چرا که معنای افساد فی الارض، اخلال در امنیت عمومی و راهزنی است، و امنیت عمومی فقط با ایجاد خوف و معمولا از طریق به کارگیری سلاح برای تهدید به قتل، مختل می‌شود». موسوی اردبیلی، کلام مذکور را به عنوان مبنا می‌پذیرد اما اخلال در امنیت عمومی را به معنای تخریب آن دانسته و تحقق آن را منحصر در ایجاد خوف از طریق سلاح کشیدن تلقی نمی‌نماید، بلکه هر رفتاری که موجب تفرقه افکنی و دشمنی بین مردم شده یا جوانان یا نوامیس را به فساد کشاند و یا افکار باطل را ترویج نماید، مشمول حکم محاربه می‌داند. ایشان با استناد به معنای عرفی محاربه و قاعده درأ، تحقق محاربه بدون ایجاد خوف را قابل قبول نمی‌داند. وی در خصوص عنصر روانی محاربه به قول صاحب جواهر و سپس صاحب ریاض استناد می‌کند، مبنی بر اینکه محاربه عرفا بدون قصد اخافه محقق نمی‌شود و روایت قرب الاسناد بر لزوم آن دلالت دارد. و بر این مبنا، قصد جنایی در محاربه را شامل انگیزه افساد فی الارض و اخافه مردم جامعه می‌داند. از این رو، محارب دانستن کسی که با انگیزه عداوت شخصی سلاح می‌کشد، تا زمانی که قصد افساد در جامعه و اخلال در امنیت نداشته باشد محل تامل و اشکال است.^۱

بند سوم: اخافه شأنی و سلب امنیت عمومی

بعضی از فقهای معاصر، نظر امام خمینی ره را ایجاد خوف واقعی ندانسته‌اند، بلکه آن را تحت عنوان «اخافه شأنی» قرار داده‌اند. هاشمی‌شاهرودی معتقد است، اگر چه محاربه، مقید به سعی در افساد فی الارض است و این امر محقق نمی‌شود مگر اینکه مرتبه‌ای از شوکت و قدرت وجود داشته باشد که موجب اخافه و سلب امنیت شود. امام خمینی ره بیان می‌دارد: «اگر ضعف مرتکب به نحوی نباشد که ایجاد خوف نکند بلکه در برخی زمانها و نسبت به بعضی اشخاص، موجب خوف شود ظاهر این است که محاربه محقق است». هاشمی‌شاهرودی می‌گوید آنچه از این تعبیر امام خمینی، فهمیده می‌شود این

^۱. محسنی، مرتضی (۱۳۹۵) حقوق جزای عمومی تهران، گنج دانش.



است که اگر بطور اتفاقی، خوفی حاصل نشود، اشکالی ندارد. مهم این است که رفتار مرتکب، دارای شان و قابلیت ایجاد خوف باشد. ظاهراً این برداشت ایشان، ناظر به تعبیر صاحب تحریر الوسیله درباره محارب دانستن فرد ضعیفی است که فقط موجب خوف بعضی اشخاص می‌شود. یعنی از این جمله نتیجه گرفته‌اند که اگر فرد ضعیف هم به قصد اخافه مردم و افساد فی الارض، سلاح بکشد و موجب خوف هیچ کس نشود محارب است؛ چون بطور بالقوه، می‌توانسته موجب خوف عده‌ای ضعیف تر از خود بشود. اما همانطور که پیشتر بیان شد، اگر اخافه موجب خوف بعضی افراد نشود، حرام نیست. امام خمینی ره، لزوم ایجاد خوف عمومی را نفی کرده است. فرد ضعیف، زمانی محارب است که عمل وی، حداقل موجب خوف فردی ضعیف تر از خودش شده باشد. از منظر هاشمی‌شاهرودی، رفتار محارب علاوه بر اخافه شأنی، باید موجب سلب امنیت شود. ایشان افساد فی الارض را جرمی مستقل نمی‌دانند، بلکه آن را شرط لازم برای تحقق محاربه می‌دانند. و معتقد است که، تعبیر «و یسعون فی الارض فسادا» در آیه محاربه، یعنی محاربین، سعی در افساد در زمین می‌کنند. تفاوت افساد، با افساد «در زمین» این است که در افساد فی الارض، فساد باید در زمین حلول کند. یعنی زمین فاسد شود. طبیعتاً منظور، فساد فیزیکی نیست بلکه زمین در اینجا به عنوان مکان زندگی انسان، قابلیت زندگی امن را از دست می‌دهد. این امر با ناامن کردن زمین، از طریق قتل، سرقت و تجاوز محقق می‌شود. در این دیدگاه، رکن نهایی محاربه، عبارت است از اخافه شأنی مردم و سلب امنیت آنها نسبت به جان، عرض یا مالشان. تعبیر سلب امنیت در اینجا با تعبیر اخلال در امنیت که در نظر موسوی اردبیلی مطرح شد متفاوت است. اولاً معنای سلب یعنی نفی و از بین بردن. اما معنای اخلال یعنی آسیب رساندن^۱.

پس سلب امنیت، به معنای از بین بردن امنیت به طور کلی است. اخلال در امنیت یعنی آسیب زدن به امنیت و نه لزوماً سلب آن. ثانیاً موضوع سلب امنیت، جان مال یا ناموس است که عادتاً متوجه امنیت تمامی انسانها در آن منطقه می‌شود. اما موضوع اخلال در امنیت می‌تواند سلامت فکری یا جسمی بعضی افراد از طریق نشر افکار باطله یا مواد افیونی باشد. همانطور که موسوی اردبیلی به این موارد تصریح نموده است.

^۱. زبیدی، محمد ابن محمد (۱۳۹۳) تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت، دارالفکر.



بخش یازدهم: لزوم اخذ مال

برخی از فقها، رکن نهایی محاربه را، نه در قالب نتیجه مجرمانه، بلکه در قالب یک رفتار دانسته‌اند. شیخ مفید حکم مجازات محاربین را این گونه بیان می‌کند «اگر اهل دغاره در دارالاسلام سلاح بکشند و اموال مردم را اخذ کنند. امام درباره ایشان مخیر است که آنان را به قتل برساند یا به صلیب بکشد یا دست و پای مخالفشان را قطع کند و یا نفی بلد کند». کلمه دغاره به معنای ربایش و اهل دغاره یعنی اهل ربه. کلمه دغاره درباره محارب در عبارتی تحت عنوان «دغاره معلنه» یعنی اخذ علنی مال، در روایت سوره ابن کلب از امام جعفر صادق ع بیان شده است. تعبیری نظیر اهل ربه و اهل دغاره، به معنای اهل راهزنی و غارت، اماره شرعی برای محارب تلقی نمودن این گونه افراد است. این قول شیخ مفید منطبق با دو حکم مندرج در صحیح محمد ابن مسلم از امام جعفر صادق ع است. علامه حلی نیز تحقق محاربه در داخل شهر و آبادی را بدون سلاح کشیدن، منوط به اخذ مال با قهر و غلبه دانسته است. این قول علامه، منطبق با روایت سوره ابن کلب است^۱.

بخش دوازدهم: ارتکاب راهزنی

هر چند تعبیر شیخ مفید درباره لزوم اخذ مال، با قول به ارتکاب راهزنی مشابهت دارد. ولی ایشان به راهزنی تصریح نکرده است. شارح ارشاد الاذهان بیان می‌دارد: «به ظن من، محارب را نمی‌توان به صورت عام شامل هر تجرید سلاحی برای اخافه دانست. بلکه محارب، مطلقاً راهزن است. یعنی کسی که طبق روایت محمد ابن مسلم افساد در زمین می‌کند. و افساد فقط زمانی است که راهزنی ارتکاب یابد. نه هر کسی به قصد اخافه سلاح بکشد و هیچ کاری قتل یا سرقت نکند و موجب ترس نشود و یا در شهری میان مردم باشد. بلکه زمانی که مرتکب قطع عضو و قتل و سرقت و فساد در زمین شود، راهزن است». لزوم ارتکاب راهزنی در محاربه، قول مشهور فقهای عامه است. تا جایی که ایشان، محاربه را سرقت کبری می‌دانند. از منظر ایشان، حمل سلاح در محاربه، مقدمه‌ای است برای راهزنی به عنوان جرم اصلی. با وجود این، در فقه امامیه هم ادله‌ای برای این قول وجود دارد که در ادامه بیان خواهد شد.

^۱. پاک نهاد امیر (۱۳۹۲) احساس ناامنی و ترس از جرم آموزه‌های حقوق کیفری، شماره پنج بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۵۵-۱۸۰.



۳ - تبیین موضع قانون مجازات اسلامی در قبال رکن نهایی و عنصر روانی محاربه

با توجه به اقوال فقهای امامیه می توان نزدیکترین قول فقهی به موضع مقنن را نظر هاشمی شاهرودی دانست. زیرا از میان اقوالی که به رکن نهایی برای محاربه قائل اند، فقط می توان به سراغ نظراتی رفت که حصول نتیجه را لازم میدانند. در این میان، قول امام خمینی ره، مشابهت کمی با موضع مقنن دارد زیرا ایشان به ایجاد خوف به همراه قصد اخافه و اراده افساد قائل اند. همچنین نظر موسوی اردبیلی، مشابهت کاملی با موضع مقنن ندارد. زیرا ایشان ایجاد خوف و اخلال در امنیت را به همراه قصد اخافه و قصد افساد لازم میدانند. اما هاشمی شاهرودی ایجاد خوف واقعی را لازم نمیداند بلکه سلب امنیت و اخافه شأنیه را به همراه قصد جان، مال، یا ناموس یا هر غرض دیگری - که متوقف بر قصد اخافه باشد - کافی می داند^۱.

بخش سیزدهم: ایجاد ناامنی در محیط، به عنوان نتیجه محاربه

در ابتدای این بحث، اشاره به دو نکته مفید است. نکته اول، تعریف ناامنی؛ ناامنی در لغت به معنای عدم امنیت است. امنیت را در لغت به بیخوفی و ایمنی معنا کرده اند. به لحاظ اصطلاحی باید ناامنی را براساس سطح و موضوع امنیت تعریف کرد. در این خصوص چهار سطح و موضوع را می توان بازشناخت.

الف- ناامنی ملی که موضوع آن امنیت ملی است. ب- ناامنی اجتماعی که موضوع آن، هویت جمعی است.

پ- ناامنی عمومی که موضوع آن امنیت عمومی است. و ت- ناامنی فردی که موضوع آن از دیدگاه مدرن، امنیت انسانی است. و از منظر فقه اسلامی، مصالح خمسة اعم از نفس، عقل، دین، نسل و اموال است. نکته دوم، تفاوت ناامنی واقعی و احساس ناامنی رعب و خوف؛ میان ناامنی واقعی احتمال بزه دیدگی و احساس ناامنی خوف و رعب شهروندان، تفاوت وجود دارد. ناامنی واقعی بر مبنای معیارهای

^۱ . استفانی گاستون، لواسور ژرژ، بولک برنار (۱۳۹۷) حقوق جزای عمومی ترجمه حسن دادیان تهران دانشگاه علامه طباطبائی.



عینی مربوط به خطرات بزه دیده شدن سنجیده می‌شود. اما احساس ناامنی مبتنی بر تشخیص‌های شخصی و نسبی افراد است.^۱

حال باید دید منظور مقنن از ایجاد ناامنی در محیط، ایجاد خوف و احساس ناامنی بوده؟ یا ایجاد ناامنی واقعی؟ در پاسخ باید دلایل هر دو احتمال را بررسی نمود.

نخست؛ دلایلی که معنای ایجاد خوف و احساس ناامنی را تقویت می‌کند. ۱- آنچه مشهور فقهای امامیه به عنوان رکن اصلی محاربه مورد بحث قرار داده‌اند، اخافه و قصد آن بوده است. و نه ناامنی واقعی. در این رابطه فقهای همچون امام خمینی، نه تنها قصد اخافه بلکه ایجاد خوف و رعب را شرط تحقق محاربه دانسته‌اند. ۲- معنای ناامنی با عبارت «ناامنی در محیط» متفاوت است. کلمه محیط به فضای فیزیکی اشاره نمی‌کند بلکه منظور، ایجاد فضا و احساس ناامنی و خوف و رعب است. ۳- از باب تطابق میان عنصر مادی و روانی، هیچ یک از تعابیر ماده ۲۷۹ مذکور درباره عنصر روانی، به قصد ناامنی واقعی تصریح نکرده است. بلکه تعبیر قصد ارباب خوف و رعب به عنوان قصد نتیجه ناظر بر ایجاد خوف و رعب است. ۴- این معنا منطبق با اصل براءت و تفسیر مضیق به نفع متهم است. چون ایجاد خوف و رعب، نسبت به ایجاد ناامنی خاص تر است. زیرا ممکن است منطقه‌ای ناامن شده باشد اما مردم متوجه نشده و خوف و رعبی در آنها ایجاد نشده باشد.

دوم؛ دلایلی که نشان می‌دهد منظور مقنن، ایجاد ناامنی واقعی بوده است.

۱- همانطور که گفته شد تعابیر قانون فعلی با قانون سابق متفاوت شده است. در حالی که تبصره یک ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ ناتوانی مرتکب در «ایجاد هراس» را مانع تحقق محاربه دانسته بود. در قانون کنونی به ایجاد ناامنی در محیط تصریح شده است و در انت‌های ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به جای ایجاد هراس، به سلب امنیت تصریح شده است. ۲- عبارت ناامنی در محیط، به صورت مطلق بیان شده است. و متعلق ناامنی، همان محیط است. یعنی ناامنی در محل

^۱. حسینی محمد اعتمادی امیر (۱۳۹۶) ایجاد ترس از اعمال خشونت به مثابه تهاجمی علیه تمامیت روانی اشخاص در نظام‌های کیفری ایران و انگلستان پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، شماره بیست و یکم زمستان ۱۳۹۶، ص ۹-۳۸



177



بخش چهاردهم: قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها

در ابتدا بیان چند نکته لازم است. نکته اول اینکه همانطور که در مقدمه ذکر شد، میان قصد نتیجه و انگیزه تفاوت وجود دارد. اما اکثر فقها از کلمه قصد برای اشاره به هر دو معنا استفاده کرده‌اند. در کلام فقها باید دقت نمود در هر موردی که واژه قصد را ناظر بر حصول نتیجه به کار برده‌اند می‌توان معنای قصد نتیجه را برداشت نمود. در غیر این صورت باید گفت منظور از کلمه قصد، انگیزه بوده است. بالتبع این نکته درباره ادبیات حقوقی مقنن نیز لازم الرعایه است. نکته دوم اینکه به لحاظ تطابق عنصر مادی و روانی، ظاهر ماده ۲۷۹ مذکور ابهاماتی دارد. زیرا در رکن نتیجه، به ایجاد ناامنی در محیط اشاره شده، اما در عنصر روانی به قصد ایجاد ناامنی در محیط تصریح نشده است. براساس مطالب مطروحه درباره نتیجه مجرمانه و اینکه سلب امنیت با ارباب متفاوت است. و با توجه به قرار دادن کلمه مردم بعد از جان، مال یا ناموس و جداسازی ارباب از سه مورد اول، می‌توان گفت عنصر روانی در ماده فوق‌الذکر از دو نوع فعل و انفعال ذهنی تشکیل شده است. نوع اول، قصد جان، مال یا ناموس مردم که مربوط به ایجاد ناامنی واقعی است. نوع دوم، قصد ارباب مردم که ناظر بر ایجاد فضای خوف و رعب میان مردم است. با وجود این، در ماده مذکور، به ایجاد فضای خوف و رعب میان مردم تصریح نشده. و از حرف ربط «یا» میان چهار قصد موصوف استفاده شده است. و همین امر موجب طرح احتمالات مختلف می‌شود.

نخست، احتمال چهار قصد نتیجه؛ برخی معتقدند که انگیزه هیچ تاثیری در تحقق محاربه ندارد. انگیزه بردن مال یا حتی خودنمایی یا قدرتمندی تفاوتی نمی‌کند. زیرا مهم این است که مرتکب قصد ارباب و سلب آزادی و امنیت مردم را داشته باشد. این نظر، بیشتر با ظاهر ماده ۱۸۳ مصوب ۱۳۷۰ مشابهت دارد. البته ظاهر ماده ۲۷۹ که با حرف «یا» به معنای تسویه، چهار قصد جان، مال، ناموس و ارباب را در کنار یکدیگر قرار داده است می‌تواند این احتمال را تقویت نماید. از این منظر هر یک از چهار قصد در عرض یکدیگر و وجود هر یک کافی به مقصود است. در این راستا، طبق مطالب پیشین، ایجاد ناامنی در محیط مشتمل بر سلب واقعی امنیت عمومی و ایجاد فضای خوف و رعب است. سلب امنیت عمومی از طریق قتل، سرقت یا تجاوز امکان پذیر است. لذا قصد جان، مال یا ناموس مردم همان قصد سلب امنیت است و قصد ارباب، همان قصد ایجاد فضای خوف و رعب. اما حقیقت این است که مقنن، ارتکاب قتل یا



سرقت یا تجاوز را شرط تحقق محاربه ندانسته از این رو، تعبیر قصد جان، مال یا ناموس نمی تواند به عنوان قصد نتیجه در نظر گرفته شود.^۱

دوم، احتمال سه قصد نتیجه و یک انگیزه خاص؛ برخی بر این باورند که طبق ماده ۲۷۹ علاوه بر سوءنیت عام یعنی عمد در کشیدن سلاح، سوءنیت خاص یعنی قصد تعرض به جان، مال یا ناموس مردم، برای تحقق این جرم ضرورت دارد. ۳۶، ص ۴۸ از این منظر، ایجاد فضای خوف و رعب، به عنوان نتیجه محاربه لازم نیست. و قصد ارعاب، در واقع انگیزه خاص مجرمانه است. اما همانطور که در نقد احتمال اول گفته شد، وقوع قتل، سرقت یا تجاوز شرط نشده است. افزون بر این، طبق استدلال های قبلی، ایجاد فضای خوف و رعب جزئی از نتیجه مجرمانه است.

سوم، احتمال چهار انگیزه خاص؛ با توجه به عدم اشتراط صریح قتل، سرقت، تجاوز و ارعاب به عنوان نتیجه محاربه، شاید بهتر باشد قصدهای مذکور در ماده ۲۷۹ مذکور، به عنوان انگیزه های خاص برای محاربه تلقی شوند. از این دیدگاه وجود هر کدام از انگیزه ها کافی به مقصود است. اشکالی که بر این احتمال وارد است این است که طبق ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی در جرایم مقید به نتیجه، قصد نتیجه یا علم به وقوع به آن، شرط است. اگر هیچ یک از قصدهای مذکور، قصد نتیجه نباشند، پس قصد ایجاد ناامنی در محیط، قصد نتیجه ای است که در عنصر قانونی محاربه به آن اشاره نشده و قصد آن از سوی مرتکب، شرط نشده است. ناگزیر باید به سراغ تئوری قصد غیر مستقیم و علم به وقوع نتیجه رفت.

طبق این تئوری هرگاه قصد و نیت اولیه کسی از کشیدن سلاح عبارت از ربودن هواپیما یا مال دیگری باشد، همین که میدانند که این کار وی موجب سلب امنیت خواهد شد، در واقع می توان گفت که قصد غیر مستقیم سلب امنیت را دارد و در نتیجه محارب محسوب می شود. اما اصول قانونگذاری صحیح مقتضی این است که در عنصر قانونی جرم، ابتدا قصد نتیجه ذکر و شرط شود و در کنار آن، و با در نظر گرفتن شرایط خاصی، علم به وقوع آن نتیجه هم کافی تلقی شود. همانند آنچه در مورد جنایت عمدی در ماده

^۱ . امیدوی جلیل (۱۳۹۴) تفسیر قانون در حقوق جزا. تهران، مخاطب



۲۹۰ قانون مجازات اسلامی بیان شده است. از این رو، احتمال فوق‌الذکر، خلاف اصل بوده و بعید به نظر می‌رسد.^۱

چهارم، احتمال سه انگیزه و یک قصد نتیجه؛ چون ایجاد ناامنی در محیط به عنوان نتیجه، مشتمل بر ایجاد فضای خوف و رعب است. پس قصد ارباب مردم، قصد بخشی از نتیجه است و چون تحقق قتل، سرقت یا تجاوز شرط نشده است. قصدهای مذکور، انگیزه‌های خاص‌اند. هر یک از این انگیزه‌ها و یا قصد ارباب می‌توانند بر اساس تئوری قصد تبعی، و کفایت علم به وقوع نتیجه، جایگزین قصد ایجاد ناامنی در محیط شوند. در واقع ارباب وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف بعدی و انگیزه‌هایی اعم از جان، مال یا ناموس مردم است. صاحب جواهر معتقد است محارب قصد اخافه ارباب را برای اخذ مال یا قتل یا جرح به کار می‌گیرد. البته بعضی از فقها معتقدند در کنار قصد اخافه، حتما لازم نیست که مرتکب، قصد جان یا مال داشته باشد؛ بلکه اگر قصد سیاسی یا قصد دیگری دارد و قصد اخافه کند همین قدر، مشمول آیه و روایات است. هر چند قصد اخافه، مقصود ذاتی وی نبوده باشد. ولی چون نیل به آن هدف، متوقف بر قصد اخافه است او محارب است. اما مقنن سخت‌گیری کرده و فقط سه انگیزه را جایگزین قصد ارباب دانسته است. ۴- نقد دیدگاه مقنن در قبال رکن‌نهایی و عنصر روانی محاربه.

اگرچه نسبت به موضع مقنن، انتقادات متعددی قابل بیان است؛ از جمله اینکه طبق نظر امام خمینی ره، قصد افساد فی الارض - چنانکه پیشتر بیان شد. انگیزه‌ای است که علاوه بر قصد اخافه مردم باید ثابت شود. همچنین اینکه همه فقهای که حصول نتیجه را شرط دانسته‌اند، ایجاد خوف ولو ایجاد خوف شأنی را لازم دانسته‌اند، اما مقنن بدان تصریح نکرده است. افزون بر این، مقنن با به کارگیری حرف ربط «یا» در پیوند میان قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها، تئوری قصد تبعی را پذیرفته و موجب گسترش قلمروی مصادیق محاربه شده است. با وجود اینها، انتقاد اساسی تر را باید متوجه عدم اشتراط «رفتار مجرمانه» به عنوان رکن‌نهایی در محاربه دانست. براساس دلایل ذیل، صرف اکتفا به ایجاد ناامنی در محیط به عنوان رکن‌نهایی محاربه صحیح به نظر نمی‌رسد.^۲

^۱ پوربافرانی حسن (۱۳۹۷) جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی چاپ سوم، تهران، جنگل.

^۲ موسوی اردبیلی عبد‌الکریم (۱۴۲۷) فقه الحدود و التعزیرات چاپ دوم، قم، دانشگاه مفید.



بخش پانزدهم: تفاوت محاربه با افساد فی الارض و بغی

معنای محاربه تا اینجا مشخص شد. اما در قانون مواردی وجود دارد که شاید با محاربه اشتباه یا یکسان گرفته شود. بغی به معنای قیام مسلحانه گروهی در برابر حاکمیت است. افساد فی الارض نیز به معنی این است که هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب اموال، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد، به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب خواهد شد. در محاربه و بغی لزوماً باید عنصر سلاح وجود داشته باشد. پس اگر کسی اقدام به فساد گسترده بدون سلاح کرد، عمل او می‌تواند مصداق افساد فی الارض باشد^۱. در بغی اقدام فرد به صورت گروهی و مسلحانه است که هدفش مبارزه با حاکمیت است، درحالی‌که محارب ممکن است به صورت فردی اقدام به ایجاد ارعاب کند^۲.

نتیجه‌گیری

توبه کردن مجرم یکی از عوامل سقوط مجازات در قانون مجازات اسلامی است که برگرفته از آیات قرآن کریم است. در ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی تبصره ۱ چنین مقرر داشته است: «توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او، موجب سقوط حد است.» بنابراین توبه متهم بعد از دستگیری و حتی پس از مسلط شدن بر مجرم اثری نخواهد داشت. مسلط شدن بر متهم مانند جایی است که فرد در خانه یا محل اختفای خود توسط پلیس محاصره شده باشد. البته تحقق توبه باید نمود بیرونی نیز داشته باشد. بعضی جرایم هستند که از منظر قانون گذار، در حکم محاربه محسوب می‌شوند و مجازات محارب، بر مرتکب آن‌ها، اعمال می‌شود که به این جرایم، در حکم محاربه می‌گویند و در این قسمت، قصد داریم، در خصوص آن‌ها، صحبت کنیم که به شرح زیر هستند:

^۱. اصفهانی محمد ابن حسن (۱۳۹۲). کشف اللثام عن قواعد الاحکام. قم، موسسه نشر اسلامی .

^۲. هاشمی‌شاهرودی محمود (۱۴۱۹) تحدید موضوع حد المحارب. فقه اهل البیت(ع) شماره ۹۰۹-۷.



ماده ۱۳۰ فصل چهارم قانون مجازات اسلامی، مقرر می‌دارد: " زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سر دسته گروه مجرمانه صدق کند، حسب مورد، به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد." بر اساس این ماده، می‌توان گفت، در برخی موارد، چنانچه سردهستگی گروه مجرمانه، متصف به عنوان محارب شود، در حکم محاربه بوده و مجازات محارب که بسته به نظر قاضی، یکی از ۴ مورد، اعدام، صلب، نفی بلد یا قطع دست راست و پای چپ، خواهد بود، بر سردهسته، اعمال می‌گردد. ماده ۱۷ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مقرر می‌دارد: " هر نظامی که برنامه براندازی به مفهوم تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران را طراحی یا بدان اقدام نموده و به این منظور، جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید یا در چنین جمعیتی شرکت یا معاونت موثر داشته باشد، محارب، محسوب می‌شود." بر اساس این ماده، تشکیل جمعیت، به منظور براندازی و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی یا معاونت موثر در چنین جمعیتی یا شرکت در آن، در حکم محاربه بوده و مجازات محاربه، بر این افراد، اعمال خواهد شد.^۱ نحوه رسیدگی به جرم محاربه، بدین صورت است که پس از ارسال شکایت شاکی یا در صورت احراز جرم، توسط مقامات قضایی یا ضابطین دادگستری، پرونده جرم، تشکیل شده و با توجه به ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه انقلاب، مستقیماً به آن رسیدگی کرده و اقدام به صدور حکم جرم محاربه می‌نماید.

^۱ . حاج زاده هادی (۱۳۹۵) از امنیت قضایی تا عدالت ماهوی آفاق، امنیت سال نهم، شماره سی و سوم زمستان ۱۳۹۵ ص ۶۳-۸۱.



منابع و مأخذ

۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۹۷، لغتنامه دهخدا تهران، موسسه دهخدا.
۲. رازی فخر ۱۳۹۸، التفسیر الکبیر بیروت، دار احیا التراث العربی.
۳. زبیدی، محمد ابن محمد، ۱۳۹۳، تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت، دارالفکر.
۴. زراعت، عباس، ۱۳۹۰، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، جنگل.
۵. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۳، المیزان فی تفسیر القرآن چاپ سوم، بیروت، موسسه اسماعیلیان.
۶. طباطبایی، علی، ۱۴۱۸، ریاض المسائل، قم، آل البيت.
۷. طبرسی، فضل ابن حسن، ۱۴۱۸، تفسیر جوامع الجامع، قم، موسسه نشر اسلامی .
۸. طوسی، محمد ابن حسن، ۱۳۹۷، المبسوط فی الفقه الامامیه چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیا آثار الجعفریه.
۹. ناشناس، ۱۴۰۷، الخلاف. قم، موسسه نشر اسلامی
۱۰. ناشناس، ۱۴۰۹، تفسیر التبیان، بیروت، دار احیا التراث العربی.
۱۱. فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۹۱، تفصیل الشریعه حدود قم مرکز فقه الاثمه الاطهار.
۱۲. کلینی، محمد ابن یعقوب، ۱۳۹۷، الکافی، قم، دار الحديث
۱۳. محسنی، مرتضی، ۱۳۹۵، حقوق جزای عمومی تهران، گنج دانش.



۱۴. مفید، محمد ابن محمد، ۱۴۱۰ المقنعه چاپ، دوم، قم، موسسه نشر اسلامی .
۱۵. موسوی اردبیلی، عبد الکریم، ۱۴۲۷ فقه الحدود و التعزیرات چاپ دوم، قم، دانشگاه مفید.
۱۶. موسوی بجنوردی، محمد، ۱۳۹۴ . فقه تطبیقی تهران، سمت
۱۷. میرمحمدصادقی، حسین ۱۳۹۷ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی چاپ سی و ششم، تهران، میزان.
۱۸. نجفی، محمدحسن، ۱۳۹۲، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام چاپ هفتم قم، موسسه نشر اسلامی
۱۹. نویدنیا منیژه، ۱۳۹۲، درآمدی بر امنیت اجتماعی فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره نوزدهم بهار ۱۳۹۲، ص ۵۵-۷۷
۲۰. هاشمی شاهرودی محمود، ۱۴۱۹، تحدید موضوع حد المحارب، فقه اهل البیت، شماره ۷-۹۰۹۰
۲۱. ابن فارس احمد، ۱۳۹۹، معجم مقاییس اللغة بیروت، دار الفکر.
۲۲. اردبیلی احمد ابن محمد، ۱۳۹۹، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان قم، موسسه نشر اسلامی.
۲۳. استفانی گاستون، لواسور ژرژ، بولک برنار، ۱۳۹۷، حقوق جزای عمومی ترجمه حسن دادبان تهران دانشگاه علامه طباطبایی.



۲۴. اصفهانی محمد ابن حسن، ۱۳۹۲، کشف اللثام عن قواعد الاحکام. قم، موسسه نشر اسلامی .

۲۵. آقابابایی، حسین، ۱۳۹۴، گفتمان فقهی و جرم انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت. فصلنامه فقه و حقوق سال، دوم تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۱-۴۲.

۲۶. آقای نی، حسین، ۱۳۹۵، جرایم علیه اشخاص چاپ پانزدهم، تهران، میزان.

۲۷. امیدی جلیل، ۱۳۹۴، تفسیر قانون در حقوق جزا. تهران، مخاطب

۲۸. باهری محمد، ۱۳۹۴، حقوق جزای عمومی تهران نگاه معاصر.

۲۹. پاک نهاد امیر، ۱۳۹۲، احساس ناامنی و ترس از جرم آموزه‌های حقوق کیفری، شماره پنج بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۵۵-۱۸۰

۳۰. پوربافرانی حسن، ۱۳۹۷، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی چاپ سوم، تهران، جنگل.

۳۱. حاج زاده هادی، ۱۳۹۵، از امنیت قضایی تا عدالت ماهوی آفاق، امنیت سال نهم، شماره سی و سوم زمستان ۱۳۹۵ ص ۶۳-۸۱

۳۲. حبیب زاده محمد جعفر، ۱۳۹۹، محاربه در حقوق کیفری ایران، تهران، دفتر نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس

۳۳. حر عاملی، محمد ابن حسن، ۱۳۹۶، وسائل الشیعه بیروت، دار احیا التراث العربی.



۳۴. حسینی، محمد اعتمادی امیر، ۱۳۹۶ ایجاد ترس از اعمال خشونت به مثابه تهاجمی علیه تمامیت روانی اشخاص در نظام‌های کیفری ایران و انگلستان پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، شماره بیست و یکم زمستان ۱۳۹۶، ص ۹-۳۸

۳۵. حلی، جعفر ابن حسن، ۱۴۰۹، شرایع الاسلام چاپ دوم، تهران، استقلال

۳۶. حلی، حسن ابن یوسف، ۱۴۱۳، قواعد الاحکام، قم، موسسه نشر اسلامی، ارشاد الازدهان قم، موسسه نشر اسلامی .

۳۷. خمینی، روح الله، ۱۳۹۰، تحریر الوسیله نجف، مطبعه الاداب.

۳۸. خویی، ابوالقاسم، ۱۴۱۰، تکمله منهج الصالحین چاپ ۲۸، قم، مدینه العلم.

لوگو سازمان ها و نهادهای علمی، سیاسی و دولتی حامی معنوی هفتمین همایش ملی بیژوهتر های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نویسن

اکانت ایتا و ایمیل رسمی همایش جهت ارسال مقاله
Ghanonyar@YAHOO.COM ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

۱۴۰۳/۱۲/۰۸
دانشگاه رازی- سالن همایش دانشکده علوم اجتماعی

معاونت علمی، فرهنگی و ارتباطات
تحت پوشش خبری صدا و سیما

جهت همکاری در برگزاری همایش با دبیر اجرایی تماس بگیرید:
خانم دکتر شهلا رضایی ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵